

پیام آیت الله العظمی منتظری

در اعتراض به عملکرد نامناسب مسئولان و سرکوب مردم [x]
به مسئولین و سردمداران حکومتی سفارش می‌کنم که از مردم
عذرخواهی نمایند

پنجشنبه ۴ تیر ۱۳۸۸ - ۲۵ ژوئن ۲۰۰۹

بسم الله الرحمن الرحيم [x]
[x](الملك يبقى مع الكفر و لا يبقى مع الظلم [x])
[x]

[x] ملت بزرگوار و فهیم ایران
[x] سلام و تحیت به پیشگاه شما مردم غیور و فداکار، که يك بار دیگر
همچون [x] گذشته‌های پر افتخارتان در صحنه سیاسی و اجتماعی کشور،
رشادت و [x] بلوغ فکری خویش را به اثبات رساندید و برای احقاق حقوق
از دست [x] رفته خود، صبورانه سختی‌ها را تحمل نمودید.

ولی مسئولین امور با آن که به [x] یقین می‌دانند که همه منصب و
مقامشان ثمره جانفشانی‌ها و از [x] خود گذشته‌های شما ملت عزیز و
بزرگوار است، با کمال تأسف در برابر [x] خواسته به حق شما مردم
عزیز روشهایی اتخاذ نموده و به اعمالی دست زدند [x] که در باور هیچ
انسان منصفی نمی‌گنجد.

[x] اینجانب که در حد توان خویش، در مبارزات علیه رژیم گذشته و
برقراری [x] جمهوری اسلامی نقش داشته‌ام، ضمن اظهار تأسف و ناراحتی
از این [x] برخوردها و رفتارهای چند روز گذشته، در برابر مردم
احساس شرمندگی [x] می‌نمایم و صراحتاً اعلام می‌دارم که اسلام عزیز و
سیره نبوی و منش [x] علوی با رفتار حاکمان فعلی تفاوتی آشکار دارد.
این برخوردها و سیاستها [x] که زیر لوای حاکمیت دینی انجام می‌شود
به یقین موجب بدبینی اقشار [x] وسیعی از مردم به اصل اسلام و حاکمیت
دینی خواهد شد و زحمات [x] ارزشمند علمای اسلام را از بین خواهد
برد.

[x] در کشور و نظامی که به اسلامیت و شیعه بودن خویش می‌بالد چگونه
در [x] منظر و مرآی جهانیان و پس از گذشت فقط سی سال از پیروزی
انقلاب و [x] در حالی که هنوز توده‌های مردم صحنه‌های پایانی رژیم
گذشته را به یاد [x] دارند، تهران و برخی شهرهای بزرگ دیگر را به
يك پادگان بزرگ تبدیل [x] کرده‌اند و با سیاستهای غلط خود برادران

نظامی و انتظامی را در مقابل مردم قرار داده‌اند و با راه انداختن مأموران لباس شخصی که خاطره چماقداران شاه را در اذهان تداعی می‌کند، ناجوانمردانه به جان جوانان و مردان و زنان این مرز و بوم تاخته و آنها را به خاک و خون می‌کشند.

با انحصاری نمودن تمامی امکانات رسانه‌ای و تبلیغاتی، روشنفکران و فرهیختگان و دانشجویان که همگی چشم و چراغ و فرزندان این ملت‌اند را وابسته به اجانب می‌خوانند و هر روز به بهانه‌ای واهی آنها را دستگیر و زندانی می‌نمایند. اینان سرمایه‌های این مملکت‌اند. چرا آمار فرار مغزها از کشور تا این میزان بالاست؟

آیا این گونه برخورد با مسائل موجب وهن اسلام و تشیع نمی‌شود؟! آیا روش و سیره پیامبر(ص) و حضرت علی(ع) که ما افتخار پیروی از آنان را داریم همین گونه بوده است؟! رسول بزرگوار اسلام(ص) و امیر مومنان(ع) هیچ گاه مخالفان خود را دشنام نداده و به آنان تهمت نزدند، آنان را با شمشیر ساکت ننموده و سیاست ناپسند و نابخردانه خودی و غیر خودی را در مورد مسلمین پیاده ننمودند. اینکه عده‌ای نسبت به حکومت خودی بوده و بتوانند دست به هر جنایتی بزنند، به خوابگاه دانشجویان حمله نموده و آنها را مورد ضرب و شتم قرار داده و از طبقه بالا به پایین پرتاب کنند، قتل‌های زنجیره‌ای را انجام دهند و فرهیختگان این ملت را وحشیانه ترور نمایند و از مجازات مصون باشند، با هیچ دین و آئینی سازگار نیست؛ خصوصاً با شریعت مقدس اسلام که پیغمبر آن(رحمة للعالمین) است و جانشین برحق او به خاطر درآوردن خلخال از پای زن یهودیه می‌فرماید: اگر کسی از این غصه بمیرد بر او ملامتی نیست.

اینجانب برای کلیه شهدا مخصوصاً شهیدان چند روز گذشته علو درجات ، و برای بازماندگان غمدیده آنان صبر جمیل و اجر جزیل از خداوند متعال خواهانم.

توصیه من به ملت عزیز و بزرگوار ایران آن است که در کمال متانت و آرامش با آگاهی کامل خواسته‌های منطقی و برحق خویش را پیگیری نمایند.

به مسئولین و سردمداران حکومتی سفارش می‌کنم که با برخوردهای تند و غیر عقلایی بیش از این موجب بی‌اعتمادی ملت به آنان و جدایی مردم از نظام نگردند و با دست برداشتن از لجajt و اظهارات و عقاید اشتباه و تنگ نظری، بین خود و مردم تفرقه ایجاد نکنند و نسبت به اشتباهات انجام شده از مردم عذرخواهی نمایند، و با تشکیل هیأتی بی‌طرف و دارای اختیارات تام،

انتخابات اخیر را به سرانجامی قابل قبول برسانند، و باور [] داشته باشند که مقامات دنیوی پایدار نبوده و ارزشی ندارد و آیه شریفه [(تلك الايام نداولها بين الناس) را آویزه گوش کنند. اگر مردم شریف [] امروز خواسته‌های به حق خود را در اجتماعات آرام مطرح نکنند و [] مظلومانه سرکوب شوند، عقده‌هایی شکل خواهد گرفت که ممکن است [] بنیان هر حکومتی را هر چند مقتدر باشد برکنند. [] در پایان حقیقت مرگ و قیامت را به خود و همگی افراد گوشزد نموده و از [] خداوند متعال می‌خواهم که توفیق ایمان و باور به (انا لله و انا اليه [] راجعون) را به همه ما عنایت بفرماید. آمین رب العالمین .

[] والسلام عليكم و رحمة الله و بركاته .

[]

[] ۳ تیر ماه ۱۳۸۸ []

[] حسینعلی منتظری []

نووستی: آخوندها با پول های خود از ایران خارج می شوند []

[] “ کریل زوبکوف [] ”، [] RBK daily، خبرگزاری «ریا نووستی» روسیه، 3 تیرماه []

[] بانک های بزرگ ایرانی فعالانه پول های خود را از کشور خارج می کنند. پول ها [] هم از بانکهایی که تحت کنترل مقامات ایران هستند خارج می شوند، و هم از [] آنها [] که مرتبط با اطرافیان علی اکبر هاشمی رفسنجانی، حامی “میرحسین موسوی [] هستند، کاندیدای اپوزیسیونی که هنوز نمی تواند به شکست خود در انتخابات [] اعتراف کند. آشتی بین طرفداران و مخالفین “محمود احمدی نژاد” رئیس جمهور [] کنونی ایران که در انتخابات نیز پیروز شد، غیرممکن بنظر می رسد. هر دو طرف [] آماده درگیری قاطعانه ای می شوند که در نتیجه آن یکی از آنها مجبور به خروج [] از ایران خواهد شد [] . خبر آغاز خروج گسترده پول از ایران را روزنامه ایتالیایی [] La Stampa [] به نقل از [] اداره اطلاعاتی ایتالیا

منتشر کرد که به این روزنامه خبر داده بود بانک های ایران صادرات، ملی، سپه و ملت در 48 ساعت اخیر شروع به انتقال پول از ایران به آمریکا، ترکیه، مالزی، پاکستان، اندونزی و امارات متحده عربی کرده اند. پول ها با ایران حواله های کمتر از 10 میلیون دلار خارج می شوند. طبق اطلاعات نیروهای امنیتی ایران ایتالیا پول از حساب بنیادهای مختلف غیر دولتی که تحت کنترل روحانیون ایران هستند، به خارج از کشور منتقل می شوند. فعالیت بنیاد مستضعفان و جانبازان، بنیاد شهید و سایر سازمان های مشابه تحت کنترل شدید ادارات اطلاعاتی غرب است که نه بی دلیل، معتقدند از طریق همین بنیادها تهران به حمایت مالی از گروه های تروریستی در خارج از کشور، از جمله حزب الله و حماس می پردازد. الکساندر سوتنیچنکو "کارشناس امور اقتصادی مرکز مطالعه خاور نزدیک در سنت پترزبورگ به RBK daily گفت: "بانک های دولتی ایران که در مقاله La Stampa ذکر شده اند، تحت نظر هستند و مجبورند پول را در حواله های کوچک منتقل کنند". در عین حال وی معتقد است که برای صحبت درباره اینکه تنها روحانیون نگران پول از ایران را خارج می کنند، زود است و حواله به خارج از کشور از طریق بانک های خصوصی که در فهرست سیاه نیروهای امنیتی غربی نبوده و می توانند به آرامی پول جابجا کنند نیز انجام می شود. این کارشناس تصریح کرد: "طرفداران و مخالفین محمود احمدی نژاد آماده زد و خورد خورد قاطعانه ای می شوند که در نتیجه آن به احتمال زیاد حزب بازنده مجبور به فرار از ایران خواهد شد". وی معتقد است که مسئله حتی نتیجه انتخابات نیست و بحث بسیار مهمتری مطرح است. آیت الله علی خامنه ای رهبر انقلاب اسلامی ایران علناً از احمدی نژاد حمایت کرد، اما با اینحال میرحسین موسوی کاندیدای مغلوب تا کنون از برسمیت شناختن نتایج انتخابات امتناع می کند. سوتنیچنکو افزود: "تعرض به اعتبار رهبر، بمعنای انکار همه نظام سیاسی ایران است". پشت سر موسوی بازرگانان بزرگ ایران تحت رهبری رفسنجانی رئیس جمهور سابق کشور، رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام و رئیس مجلس خبرگان هستند. نباید فراموش کنیم که مجلس خبرگان تنها ارگانی است که بطور نظری می تواند رهبر را عوض کند. اگر چنین چیزی رخ دهد، آشتی بین طرفداران احمدی نژاد-خامنه ای و موسوی-رفسنجانی غیر ممکن خواهد بود. با در نظر داشتن خارج سازی فعالانه پول از ایران، می توان گفت که هر دو حزب پل های پشت سر را خراب کرده و آماده ریسک هستند.

آینده نهاد روحانیت

مصاحبه دویچه وله با فاطمه صدیقی، پژوهشگر و استاد علوم سیاسی ✖

وابستگی روحانیان به دستگاه قدرت و ناتوانی آنان در همپیوندی با جنبش اعتراضی موجود در ایران، موضوع آخرین مقاله فاطمه صادقی است. به نظر این استاد علوم سیاسی، مرجعیت و روحانیت مستقل در مسیر مرگی سیاسی قرار گرفته‌اند.

دویچه‌وله: شما از تعبیر منازعه در توصیف موقعیت سیاسی و اجتماعی ایران پس از انتخابات استفاده کرده‌اید. در حالی‌که بسیاری این وضع را به کودتا تشبیه کرده‌اند. دلیل چنین تعبیری این است که هنوز باب نتیجه‌گیری را باز می‌بینید؟

فاطمه صادقی: راستش به نظر من کودتا و منازعه چندان تناقضی با هم ندارند. وضعیت کودتایی نیز وضعیتی منازعه‌آمیز است. من اگر این تعبیر را استفاده کرده‌ام به این معنا نیست که ضرورتاً باب مصالحه را باز می‌بینم.

در همین مقاله، شرایط کنونی را فراتر از منازعات سیاسی گذشته در ایران خوانده و نوشته‌اید که محدود کردن آن به طبقات یا نخبگان خطاست. می‌خواهید از گذار سیاسی خاصی صحبت کنید؟

بله. تعبیری هست که شرایط کنونی را ناشی از اختلافات طبقات بالا با مطالبات دمکراتیک و آزادیخواهانه در قبال مردم پایین جامعه می‌داند که وضعیت اقتصادی‌شان موجب شده به احمدی‌نژاد رای دهند. من عقیده دارم که منازعه کنونی را نمی‌توان طبقاتی تلقی کرد، زیرا از هر دو گروه در آن حضور دارند.

فاطمه صادقی، پژوهشگر و استاد علوم سیاسی حوزه کار من اقتصادی نیست، اما در حوزه اجتماعی می‌توانم بگویم که بیشتر مردم و به ویژه جنوب شهرها و حاشیه‌نشین‌ها از طرح امنیت اجتماعی یا طرح به

اصطلاح جمع‌آوری "اراذل و اوباش" صدمه خوردند. این تعبیر هست که مثلاً روستاییان و حاشیه‌ی شهرها به آقای احمدی‌نژاد رای داده‌اند و طبقات بالا به دیگران. اما یافته‌های ما تا آنجا که به جامعه‌شناسی سیاسی ایران در چهار سال گذشته بر می‌گردد، چنین شواهدی به ما نشان نمی‌دهد.

نگاه دیگری به دعوا میان بورژوازی روحانیت با بورژوازی نظامی یا بخش سخت نظام با بخش نرم نظام اشاره می‌کند. این‌ها درست نیست. در هر دو سوی منازعه، هم روحانی هست و هم نظامی. البته در دوران آقای احمدی‌نژاد، بخش نظامی با خاصه‌خرجی پروار شد اما دعوا فراتر از این‌هاست.

خود شما با دید سرد کارشناسی صحنه را چگونه می‌بینید؟

من با دید سرد کارشناسی احساس می‌کنم که مناقشه اصلی، مطالبات دمکراتیک طبقات مختلف اجتماعی است. منازعه بر سر مطالبات یا تمایلات دمکراتیک در مقابل مطالبات یا تمایلات تمامیت خواهانه است. بعد از انقلاب، بحث آزادی‌های شخصی مسئله‌ی همه طبقات بوده است. حتی طبقات پایین این موضوع برایشان مهم تر است، زیرا اگر کمیته دختر و پسر از طبقه متوسط را دستگیر کند، این‌ها می‌توانند با دادن رشوه آزاد شوند اما در مورد قشرهای پایین چنین نیست. ما در این انتخابات دیدیم که بسیاری جوانان به هوای نمایندگی این قبیل خواسته‌ها به کاندیداها رای دادند. در آن طرف منازعه صد البته کسانی ایستاده‌اند که منافع مادی و شان اجتماعی‌شان از رهگذریک نظام اقتدارگرا تامین می‌شود.

برویم روی جوهر مقاله‌ی شما. نوشته‌اید مردم می‌پرسند چرا روحانیت در جریان‌های سیاسی دخالت نمی‌کند و تنها به تایید یا انتقاد تلویحی وضع موجود بسنده می‌کند. مگر نه این‌که حرف اول و آخر را کسانی می‌زنند که به استحکامات قدرت تکیه دارند؟

نکته نوشته من همین است! نزدیک شدن بخش زیادی از روحانیت به قدرت، عملاً قدرت استقلال و موضع‌گیری را از او سلب کرده و من از آن به نام مرگ سیاسی روحانیت یاد کرده‌ام. این می‌تواند حیات معنوی روحانیت را به خطر بیندازد که در صد سال گذشته نقش بارزی در تحولات جامعه ما داشته است.

آیا تنها انتخابات اخیر بود که موضوع وابستگی روحانیت و حوزه در مسائل سیاسی را آشکار یا ثابت کرد؟ اساساً همان در هم تنیدگی دین

و سیاست نبود که منجر به چنین بحرانی شد؟

کاملاً درست است. این پدیده بود اما بحران فعلی، مهری بر مرگ سیاسی روحانیت کوبید. در سالهای قبل حضور کمرنگ و پررنگ روحانیت را در تحولات سیاسی شاهد بودیم. مثلاً گروهی از روحانیت در دوم خرداد نقش مهمی داشتند. جذب هر چه بیشتر روحانیت به مرکز قدرت، هم استقلال آنها را کم کرده و هم نفوذشان در بین مردم را. همین موجب شده که وجوهای پرداختی مردم به روحانیت هم کمتر شود و آنها از نظر معیشتی نیز به حاکمیت وابسته‌تر شوند. به نظر من روحانیت پس از این بحران، در آینده سیاسی ایران بسیار کمرنگ‌تر حضور خواهد داشت و اساساً اتفاقاتی که افتاد، حیات معنوی روحانیت را نیز به مخاطره انداخت.

شما از مرگ سیاسی روحانیت در حالی صحبت می‌کنید که بالاترین مرجع روحانیت که ولی فقیه باشد، در راس قدرت سیاسی قرار دارد. بهتر نیست تفکیکی در این میان قائل شوید؟

من منظورم مرگ تک تک روحانی‌ها نیست، بلکه مرگ نهاد روحانیت است. این‌که یک روحانی در بالاترین سطح تصمیم‌گیری است، اتفاقاً به سلب مشروعیت روحانیت کمک می‌کند. بدنه‌ی جامعه از مدت‌ها پیش به روحانیت بدبین بود. اینک این بدبینی افزایش یافته و باوقایع اخیر از این گروه مشروعیت زدایی شده است. به نظر من، نظم سیاسی ایران در آینده هرچه باشد، جای کمتری برای روحانیت در آن هست.

با این شرایط برای چه اصرار بر نام جمهوری اسلامی ایران است؟

نمی‌دانم. البته بسیاری از دوران جدیدی حرف می‌زنند که می‌توان به آن حکومت اسلامی گفت. من لفظ اسلامی را با احتیاط به کار می‌برم، زیرا واقعاً معلوم نیست آنچه می‌گذرد، ربطی به شرع و شریعت داشته باشد. آنچه در حال وقوع است، هم در بسیاری موارد با قانون اساسی مغایرت دارد و هم فراتر از موارد شرعی مورد اتکای مقامات است. به نظر من، نظامی در حال مستقر شدن است که پسوند اسلامی برازنده آن نیست.

با همه‌ی توضیحات، چرا هم مردم تاحدودی چشم امید به مراجع دارند و هم مهندس موسوی دست استمداد به سوی مراجع دراز کرده است؟

این به شرایط موجود بازمی‌گردد که بسیاری دنبال راه مسالمت‌آمیز برای حل آن هستند. مردم دنبال نهادهای قانونی مانند شورای نگهبان

و مجمع تشخیص مصلحت نظام و مجلس نیستند زیرا به نظر می‌رسد آنها از قبل تصمیم گرفته‌اند به خواست عمومی وقعی نگذارند. اینجاست که مرجعیت و روحانیت پناهگاه امید گروهی از مردم می‌شوند. اما من در مقاله‌ام سعی کرده‌ام بگویم که آنها دیگر صاحب قدرت نیستند و به زوال رسیده‌اند.

مصاحبه‌گر: مهیندخت مصباح

تحریریه: شیرین جزایری

اپوزیسیون دموکرات و شرایط تحول یافته جامعه ایران

راست این است که روند برگزاری دهمین انتخابات ریاست جمهوری اسلامی، برغم تمامی تمهیداتی که از سوی ولی فقیه و شورای نگهبان و فرماندهان سپاه و بسیج و دولت احمدی نژاد دیده شد، نتوانست مطابق میل آنها پیش برود.

تقلب وسیع و چندین میلیونی بنفع احمدی نژاد و بزیان رقبایش آن چنان آشکار است که جز ولی فقیه و همپالکی‌هایش، سایرین بر سر آن تردیدی ندارند. موج اعتراض علیه این تقلب ابعاد بسار گسترده‌ای یافته است. در این اعتراض گسترده، البته آن توده‌های وسیع میلیونی که بنا بر تجربه خویش و با انگیزه‌های متفاوت، بخصوص به انگیزه مقابله با انتخاب مجدد احمدی نژاد یا انتخاب بد در مقابل بد تر و به این ترتیب بهبودی هر چند جزئی در شرایط زندگیشان، در این انتخابات شرکت کردند جای خاصی دارند. آن‌ها بیش از هر دوره‌ای حس تحقیر شدگی، حس به هیچ گرفته شدن از سوی رژیم ملا‌ها پیدا کرده‌اند. چنین است که موج عظیم و میلیونی اعتراض به این تقلب و اعتراض به دیکتاتوری مذهبی حاکم، جامعه را فرا گرفته است؛ خواست ابطال نتایج اعلام شده از سوی وزارت کشور احمدی نژاد، که از سوی ولی فقیه نیز مورد تایید قرار گرفته است به خواستی فراگیر بدل گردیده است. اقشار وسیع مردم از اعم از دانشجویان و جوانان و

زنان و روزنامه نگاران تا کارگران و کارمندان و معلمان و استادان و... به این موج اعتراضی پیوسته اند؛ بخشی از هیئت حاکمه و بخصوص نیروهای پیرامونی حکومت نیز از موضع خویش به این حرکت پیوسته و از آن طرفداری می کنند. در مقابله با این وضعیت، وضعیتی که می تواند نظام ولایت فقیه را با مشکلات جدی مواجه سازد خامنه ای نیز همراه با احمدی نژاد و نهاد های سرکوب رژیم بناگزیروسط بازی را کنار گذاشته و آشکارا راه سرکوب، بگیر و ببند و ارباب اختیار کرده است و... کشاکش میان نیروها و گرایشات مختلف، در مراکز و محل های مختلف و در خیابان و خارج از خیابان ادامه داشته و حالا حالا ها ادامه خواهد داشت. این که روند تحولات چگونه و به چه سویی سوق پیدا کند بستگی به عوامل مختلفی دارد و در حال حاضر چندان قابل پیش بینی نیست. از جمله این عوامل نحوه برخورد اپوزیسیون دموکرات و آزادیخواه ایران است که بسهم خود می تواند در این کارزار وسیع مردمی و در جهت دهی بدان ایفا کند.

به گمان من، اپوزیسیون دموکرات و آزادیخواه ایران فارغ از تفاوت هایش و فارغ از اینکه چه تاکتیک و روشی در قبال این باصطلاح انتخابات، یعنی شرکت یا عدم شرکت یا... داشته است می باید به دفاع از این جنبش وسیع و ملیونی مردم و حمایت از خواست آنها مبنی بر ابطال نتایج اعلام شده بپردازد. اپوزیسیون در جریان این کشاکش باید بروشنی در کنار مردم و در مقابل نیروهای سرکوبگر ولی فقیه و متحدینش قرار گیرد. اپوزیسیون دموکرات ضمن دفاع از خواست ابطال تلاش برای بسج افکار عمومی جهانیان و درخواست از نهاد ها بین المللی و دولت های غربی مبنی بر عدم شناسایی دولت احمدی نژاد، در هر قدم باید به بویژه به مردم ایران توضیح دهد که تا ملاها در قدرتند و تا ملاها بجای رجعت به مسجد در راس حکوت قرار دارند و به عنوان شهروندان درجه اول به اداره امور کشور و حکمرانی بر شهروندان درجه دو یعنی اکثریت قریب به اتفاق مردم اشتغال دارند و از سوی آنها و به نیابت از آنان تصمیم می گیرند، جریان امور جامعه و کشور به همین ترتیبی خواهد بود که در سی سال گذشته بوده است.

اپوزیسیون دموکرات و آزادیخواه می تواند ضمن احترام به تفاوت ها و ضمن حفظ مواضع متفاوتش، فارغ از برخورد های فرقه گرایانه و متفرعانه، کارزاری گسترده و سراسری در خارج از کشور، در حمایت از خواست مردم رنج دیده کشورمان، در دفاع از دموکراسی و آزادی و در تقابل با دیکتاتوری مذهبی، ایفا کند. آیا اپوزیسیون قابلیت درک تحول در شرایط، توان درک موقعیت خاص پیش آمده و یافتن پاسخی در خور و متفاوت از گذشته را دارد؟؟

کا نون نویسندگان ایران:

به خواست مردم برای آزادی گردن نهید!

• کا نون نویسندگان ایران روز دوم تیرماه بیانیه ای انتشار داد و در آن خواهان پایان دادن به کشتار مردم و محاکمه ی عاملان کشتارها، به رسمیت شناخته شدن حق اجتماعات مسالمت آمیز، پایان اشغال نظامی تهران و سایر شهرها و برجیده شدن بساط سانسور گردید.

مردم شریف و آزاده!

طی نزدیک به دو هفته یی که از اعلام نتیجه ی انتخابات ۲۲ خرداد ۸۸ می گذرد، ده ها تن از مردم بی گناه بر اثر یورش وحشیانه ی نیروهای سرکوبگر به قتل رسیده اند. افزون بر این، شمار بسیار بیشتری مجروح و بازداشت شده اند. کا نون نویسندگان ایران بی آن که بخواهد وارد بحث ماهیت انتخابات و درستی یا نادرستی شرکت در آن شود بنا بر منشور و اساسنامه ی خود از آزادی بیان بی هیچ حصر و استثنا برای همه مردم و معترضان و سرکوب شدگان، صرف نظر از عقاید سیاسی آنان، پیگیرانه دفاع می کند و، ضمن محکوم کردن کشتار سازمان یافته ی مردم حوطلب ایران و تسلیت و همدردی با خانواده های بازماندگان و مردم داغ دیده، خواهان آن است که:

۱. به حمله ی وحشیانه به تظاهرات و راه پیمایی آرام و مسالمت آمیز و متمدنانه ی مردم پایان داده شود.

۲. اسامی همه کشته شدگان، مجروحان و دستگیرشدگان اعلام، و بازداشت شدگان بی قید و شرط و بدرنگ آزاد شوند.

۳. امکان برگزاری آزادانه ی مراسم بزرگداشت جانباختگان راه آزادی فراهم آید.

۴. سانسور خبری مطبوعات و رسانه ها هر چه زودتر برجیده شود.

۵. به اشغال نظامی تهران و دیگر شهرهای کشور پایان داده شود.

۶. آمران و عاملان کشتار مردم معرفی، محاکمه و مجازات شوند.

بساط سرکوب را برچینید!
مردم حقیقت و آزادیخواه را اراذل و اوباش و آشوبگر نخوانید!
به خواست مردم برای آزادی گردن نهید!

کانون نویسندگان ایران

۲/۴/۸۸

کمیته مرکزی سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران

سخنان خامنه‌ای، چراغ سبز برای سرکوب

پس از یک هفته اعتراضات و درگیری‌های خونین مردم با رژیم و ضرب و شتم و کشتار آنان از سوی حکومت جمهوری اسلامی، سیدعلی خامنه‌ای در نماز جمعه امروز تهران سخنرانی کرد و علیرغم اعتراضات گسترده مردم به تقلب در انتخابات ۲۲ خرداد و خواست آنان مبنی بر ابطال این انتخابات، در سخنان خود بر صحت نتایج انتخابات تاکید کرد و به این ترتیب، موضوع انتخابات را مربوط به گذشته و خاتمه یافته عنوان کرد.

هرچند که خامنه‌ای امکان بررسی موضوع توسط شورای نگهبان را باز گذاشت، اما با طرح عدم امکان تقلب در آراء در جمهوری اسلامی، آن هم در چنین ابعادی، راه را بر هرگونه اظهارنظر خلاف این از طرف شورای نگهبان بست.

سخنان علی خامنه‌ای در نماز جمعه امروز تهران، بیش از هر چیز بیانگر استیصال رژیم و نداشتن راه حل برای بحران همه جانبه و معضلات فعلی جامعه ایران است. خامنه‌ای به صراحت تاکید کرد که حفظ نظام بیش از هر چیز دیگری برای وی مهم است. او آشکارا مطالبات و خواسته‌های بر حق مردم را ندیده گرفت و با برپایی تظاهرات و اعتراضات خیابانی مردم مخالفت و آنان را تهدید کرد. وی دیگر جناح‌های رژیم را نیز مورد خطاب قرار داد و از آنان خواست که به «حکم حکومتی» گردن گذارند و «رهبری مطلق» وی را بپذیرند. خامنه‌ای

همچنین آنان را مسئول عواقب رویدادهای آینده دانست. خامنه‌ای تلاش کرد تا مردم را بر سر دوراهی پذیرش وضعیت موجود و یا سرکوب جنبش اعتراضی قرار دهد. وی آشکارا و بیش از پیش، مردم را تهدید به سرکوب کرد و جنگ و دندان نشان داد.

سازماندهی اعتراضات مردم، حفظ وحدت و یکپارچگی آن، گسترش مبارزه و مقاومت مدنی توده‌ها به اشکال مسالمت‌آمیز و طرح مطالبات جنبشهای اجتماعی، می‌تواند با طرح خواست ابطال انتخابات ۲۲ خرداد و تامین شرائط انتخابات آزاد، بیامیزد و در مقابل سرکوب حکومت ایستادگی کند.

خامنه‌ای درمقابل مردم شمشیر را از رو بسته است. باید قصد رژیم را در سرکوب جنبش اعتراضی مردم افشاء کرد. مبارزه توده‌ها اما متوقف نخواهد شد و در اشکال دیگری ادامه خواهد یافت.

سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران حمله به تظاهرات مسالمت‌آمیز مردم، ضرب و جرح و کشتار آنها و بازداشت فعالان سیاسی را شديدا محکوم میکند و خواستار آزادی فوری این بازداشت شدگان و پایان دادن به تضییقات علیه مردم، و نیز لغو سانسور بر رسانه‌ها و سایتهای اینترنتی است.

در این موقعیت حساس، ما بار دیگر از همه نیروهای چپ، مترقی و آزادی‌خواه دعوت میکنیم تا با همکاری و هماهنگی هرچه بیشتر، در راه ایجاد یک جبهه متحد در مقابل رژیم، دفاع از جنبش اعتراضی مردم و یاری رساندن به آن، مبارزه علیه جمهوری اسلامی را گسترش دهیم.

۲۹ خرداد ۱۳۸۸ - ۱۹ ژوئن ۲۰۰۹